

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال ششم، شماره دوازدهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)



هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا

- سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم و مدرس دانشگاه)
- محمدجعفر طبسی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم)
- سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی)
- ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)
- محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدرضا فاضل کاشانی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمد قائنی (استاد درس خارج حوزه علمیه قم)
- محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعة المصطفی العالمیه)
- محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم)
- سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعة المصطفی العالمیه)

نمایه شده در پایگاه‌های:

Magiran (بانک اطلاعات نشریات کشور)

Noormags (پایگاه مجلات تخصصی نور)

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)،

معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد

تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۲۵

دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۲۵

سامانه فصلنامه: www.mags.markafeqhi.com

پست الکترونیکی: mags@markazfeqhi.com

قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال

صاحب امتیاز:

مرکز فقهی ائمه اطهار (عج)

مدیر مسئول:

آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی

سر دبیر:

علی نهواندی

دبیر تحریریه:

رضا پورصدقی

دبیر اجرایی:

مهدی مقدادی داودی

ویراستار:

وحید حامد

مترجم انگلیسی:

سید محمد سلطانی

مترجم عربی:

حبیب ساعدی

طراح:

حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا:

محسن شریفی

Application of the Rule of Nafye Sabil in the Communication System; with Emphasis on Cyberspace and Social Networks

*Abbas Meghdadi Davoudi*¹

*Mahdi Meghdadi Davoudi*²

Abstract

Nafye Sabil is one of the important jurisprudential rules. The present article studies this rule and its application in the media and cyberspace world, for the Islamic society can be dominated and influenced by non-Muslims and the information of Muslims become available to their enemies. This research with a descriptive-analytical method based on library data analyses this issue. The authors concluded that according to the rule of Nafye Sabil cyberspace and social networks can be used only in case of emergency or in cases such as using it against the enemy himself.

Keywords: Jurisprudential Rules, Media, Nafye Sabil, Cyberspace.

فقه واجتهاد

Vol.6 | No.12 | Autumn and Winter 2019-2020 /

1 . level 4 and researcher in Qom seminary. (abbas.meghdadi@yahoo.com)

2 . level 4 at Qom seminary and researcher of the Department of Art and Media Jurisprudence of the A'emme Athar Jurisprudence Center. (mehdimeghdadi69@gmail.com)

فقه واجتهاد

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال ششم، شماره دوازدهم (پاییز و زمستان ۱۳۹۸)

تاریخ ارسال، ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش، ۱۳۹۹/۰۱/۲۰

کاربست قاعده نفی سبیل در نظام ارتباطی با تأکید بر فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی

عباس مقدادی داودی^۱

مهدی مقدادی داودی^۲

چکیده

یکی از قواعد مهم فقهی، قاعده نفی سبیل است که مقاله پیش‌رو به بررسی این قاعده و کاربرد آن در نظام رسانه و فضای مجازی اشاره دارد. از آنجایی که نظام و جامعه اسلامی با کمک فضای مجازی و ابزارهای آن تحت سلطه و نفوذ کافران می‌رود و اطلاعات مسلمانان در اختیار دشمنانشان قرار می‌گیرد، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که بر اساس قاعده نفی سبیل تنها در صورت اضطرار یا در مواردی مانند استفاده از آن علیه خود دشمن می‌توان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد. واژگان کلیدی: قواعد فقهی، نظام رسانه، نفی سبیل، فضای مجازی.

۱. سطح چهار حوزه علمیه قم، محقق و پژوهشگر (نویسنده مسئول)؛ abbas.meghdadi@yahoo.com.

۲. سطح چهار حوزه علمیه قم، محقق و پژوهشگر؛ mehdimeghdadi69@gmail.com.

مقدمه

قاعده‌های فقهی جایگاه مهمی در آموزه‌های فقهی دارند؛ زیرا این قواعد در طریق استنباط مسائل شرعی قرار گرفته و در استخراج حکم شرعی، نقش ارزشمندی دارند. قاعده «نهی سبیل» که یکی از این قواعد است، در روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حقوقی و... مسلمانان با کافران، نقش مهمی دارد و شاخصی برای تعدیل و تنظیم این روابط به شمار می‌رود و به‌نوعی حافظ استقلال، عزت و شرافت مسلمانان است. امروزه یکی از جنبه‌های مهم ارتباطات مسلمانان با کافران، در نظام رسانه و فضای مجازی و اینترنت است. نفوذ و گسترش اینترنت در همه شئون و ابعاد زندگی، اعم از مادی و معنوی تأثیر زیادی در سبک زندگی انسان‌ها گذاشته و به‌گونه‌ای بشر را وابسته به خود کرده که انسان بدون اینترنت و فضای مجازی به یک موجود بی‌ابزار و دست‌بسته تبدیل می‌شود. این موضوع حتی اگر از لحاظ عملی نیز چنین نباشد، از لحاظ نظری تأثیر عمیقی بر روح و روان انسان نسل امروزی گذاشته؛ به‌طوری‌که برای بخش زیادی از جمعیت آنلاین، حتی لحظه‌ای تفکر در خصوص در دسترس نبودن اینترنت در زندگی روزمره بسیار سخت و دشوار است.

قدمای علم فقه به‌طور مستقل بحثی از قاعده نفی سبیل انجام نداده و در لابه‌لای مباحث خود به این قاعده تمسک جستند (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۴۹)؛ اما متأخران پژوهش‌های فراوانی را درباره این قاعده فقهی انجام داده و به تحلیل و تبیین جوانب گوناگونی این قاعده پرداخته‌اند. در خصوص نظام ارتباطی و فضای مجازی و حتی رسانه نیز مقاله‌هایی وجود دارد که حتی نزدیک به موضوع حاضر هستند؛ اما این نوشته‌ها یا همه یا بخشی از محتوا را به بررسی این قاعده ناظر بر فضای مجازی و ... اختصاص داده‌اند؛ ولی توجه به مستندات این قاعده و موارد کاربرست آن در نظام رسانه و نیز اقوال مطرح در این زمینه و دلایل آن و همچنین راه‌های برون‌رفت از آسیب‌های آن، کمتر بررسی شده است و از این حیث این پژوهش بحثی نو در این زمینه به‌شمار می‌رود.

در جهان امروز که کشورهای سلطه‌گر در صدد نفوذ و استعمار ممالک اسلامی

هستند، این قاعده سنگری مهم در برابر حمله‌ها قلمداد می‌شود. هر فعالیت، تصمیم و قراردادی که در زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی، رسانه، فرهنگی و... میان مسلمانان و غیرمسلمانان منعقد می‌شود؛ به‌طوری‌که مقدمه و زمینه تسلط کافران را بر مسلمانان تسهیل کند، جایگاه و کاربرد قاعده نفی سبیل واضح و روشن می‌شود و با عملی شدن مفاد آن، بیگانگان کوچک‌ترین راه نفوذ و سلطه‌ای را بر مسلمانان ندارند. نگارنده در این پژوهش، نخست به بررسی قاعده نفی سبیل و دلایل آن پرداخته، سپس فعالیت و استفاده از اینترنت، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را بر اساس قاعده نفی سبیل بررسی کند.

۱. مفهوم‌شناسی

پیش از ورود به بررسی دقیق و علمی در هر پژوهشی لازم است واژگان کلیدی آن پژوهش مفهوم‌شناسی شود تا در فهم بیشتر مطالب به خواننده کمک کند.

۱-۱. جعل

جعل در لغت به معنای وضع کردن (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۱۱۰) و قرار دادن (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۸) است. برخی معتقدند مراد از جعل، جعل تشریعی است؛ به این معنا که خداوند متعال در عالم تشریع، حکمی که موجب تسلط کافران بر مؤمنان باشد، وضع نکرده است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۸).

برخی معتقدند مراد از جعل، جعل تکوینی است؛ یعنی خداوند در عالم تکوین برای کافران، غلبه‌ای بر مؤمنان قرار نداده است؛ بلکه همیشه مؤمنان تفوق و غلبه دارند (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۳).

برخی از اندیشمندان معتقدند آنچه بیشتر با ظاهر این آیه تناسب دارد، قول اول است؛ چون محتوای این آیه درباره تکوین و چگونگی تحقق خارجی روابط کافران و مؤمنان نیست و با واقع و حقایق تاریخی سازگاری ندارد؛ زیرا کافران بسیاری در ظاهر بر مؤمنان پیروز شده و غلبه و استیلا یافته‌اند (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۷)؛ بنابراین خداوند در مقام تشریع و قانون‌گذاری اعلام می‌کند خداوند هرگز حکمی که موجب تسلط کافران بر مؤمنان باشد، تشریع نکرده است.

۲-۱. سبیل

سبیل در لغت به معنای طریق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۵؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۸؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۳۹۱ - ۳۹۳)؛ ولی در آیه نفی سبیل، احتمال‌های گوناگونی درباره معنای سبیل آمده است. قرطبی و برخی مفسران با اشاره به احتمالات گوناگون، به پنج وجه در معنای سبیل اشاره می‌کنند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۴۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۷؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ذیل آیه).

الف) حجت در دنیا: برخی عقیده دارند مراد از سبیل در ذیل آیه، برتری حجت مسلمان است که آن را به اکثر مفسران نسبت می‌دهند (فاضل جواد، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۵۳). گروهی دیگر نیز با اشاره به برخی موارد که کافران بر مؤمنان و مسلمانان غلبه داشته‌اند، گزاره حجت را می‌پذیرند (سورآبادی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۱۹).

ب) حجت در آخرت: برخی مفسران به خاطر عطف این قسمت به فقره ﴿فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾، معتقدند مراد حجت در آخرت است و آن را به امیرمؤمنان علی (ع) و ابن عباس نسبت می‌دهند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ذیل آیه؛ ابن قتیبه، بی تا، ذیل آیه).

ج) نصر: عده‌ای از مفسران با پذیرش این نظر می‌گویند اگرچه ممکن است در این دنیا مؤمنان گرفتار غلبه کافران شوند؛ اما این از باب آزمایش و امتحان است و پیروزی نهایی - به یاری خداوند - از آن مؤمنان است (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۲۶۶). برخی قول به نصر را با دلیل و حجت در مراد از آیه مطرح کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۷).

د) سلطه خارجی: عده‌ای از مفسران احتمال سلطه خارجی را مادامی که مسلمانان ملتزم به لوازم ایمان خود باشند، مطرح می‌کنند و به آیه ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹) استناد می‌کنند (سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ذیل آیه؛ طباطبایی یزدی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶).

البته در این زمینه احتمالات دیگری نیز مطرح است که برخی از مفسران به شماری از آنها اشاره کرده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ذیل آیه؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۷).

۳-۱. مؤمن و کافر

در این آیه شریفه، مراد از مؤمن، معنای خاص آن نیست که به شیعه اختصاص دارد؛ بلکه شامل همه کسانی است که به شهادتین اقرار دارند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۹۰)

و چیزی که مقتضی کفر باشد، از ایشان صادر نشود. در مقابل، کافر به کسانی اطلاق می‌شود که به دینی غیر از اسلام ایمان داشته باشند یا با وجود پذیرش اسلام، ضروری دین اسلام را انکار کنند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۳۳۷).

طبرسی در معنای کفر می‌نویسد: «کفر در لغت، مقابل شکر است؛ همچنان‌که حمد بر خلاف ذمّ است؛ بنابراین کفر پوشاندن نعمت و مخفی کردن آن است و شکر انتشار نعمت و اظهار آن... و کفر در اصطلاح شرع عبارت است از انکار آنچه که خداوند معرفت آن را بر بندگانش، واجب نموده، چون معرفت توحید و عدل الهی و پیامبر خدا و معرفت هر آنچه که از سوی خداوند آمده و از ارکان شریعت اسلام محسوب می‌شود؛ پس هر که چیزی از آنچه گفته شد را انکار کند، کافر است...» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۷)؛ بنابراین کفر در اصطلاح به معنای انکار اسلام یا ارکان دین اسلام است.

۴-۱. نظام رسانه

امروزه رسانه تعریف گسترده‌ای دارد و همانند گذشته فقط به رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله و کتاب منحصر نیست. در دنیای امروزی رسانه‌های گروهی به خاطر فراوانی‌شان به رسانه‌های فردی تبدیل شده‌اند و از سویی به صورت یک جبهه عظیم فرهنگی درآمده‌اند. رسانه در لغت به معنای رساندن است و در اصطلاح به وسیله‌ای که برای نقل و انتقال اطلاعات، افکار و ایده‌های افراد در جامعه است و واسطه عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است، گفته می‌شود (آبراهام پی‌بونک، ۱۳۷۶، ص ۳۲). با این تعریف، وسایلی همچون تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، مجلات، ماهواره، فضای مجازی و اینترنت از مصادیق رسانه به شمار می‌آیند.

با توجه به گسترش فناوری در جهان و تعدد رسانه‌ها، مصادیق آن در گروه‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگونی قرار می‌گیرند. رسانه‌های دیداری همچون تلویزیون، سینما، اینترنت، رسانه‌های شنیداری مانند رادیو، رسانه‌های نوشتاری همانند کتاب، مطبوعات و مجلات، رسانه‌های ابزاری نظیر بروشور، اعلامیه، کاتالوگ، تابلوی اعلانات، پوستر، تراکت، پلاکارد، لوگو، آرم، فیلم کوتاه و بلند، فیلم‌های تبلیغی، سخنرانی، همایش و تئاتر، رسانه‌های نهادی یا گروهی همچون روابط عمومی‌ها، شرکت‌های انتشاراتی، بنیادهای

سینمایی، رسانه‌های فرانهادی مثل دفترهای روابط بین‌الملل، خبرگزاری‌ها، بنگاه‌های سخن‌پراکنی، کارتل‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های سینمایی و اینترنت (کلیفورد جی کریستیانز، ۱۳۸۵، ص ۹۲). مراد از رسانه در این نوشتار، اینترنت و فضای مجازی به صورت خاص است و این مورد با توجه به قاعده نفی سیل بررسی خواهد شد.

۲. مفاد قاعده

قاعده «نفی سیل» برگرفته از آیه ۱۴۱ سوره نسا است: ﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَتَمْنَعُكُمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾. مشهور فقیهان معتقدند بر اساس این آیه، در روابط میان مسلمان و کافران، هیچ قرار یا حکمی که دربردارنده هر نوع برتری، سلطه و امتیاز برای کافران بر مسلمانان باشد، شرعاً جعل نشده است؛ برای نمونه عمومات و اطلاعات ادله معاملات، روابط اقتصادی با کافران جایز است؛ ولی در صورتی که معامله با کافر باعث تسلط و چیرگی کافر بر مسلمان شود، باطل است؛ زیرا تملک کافر بر مسلمان از مصادیق بارز سلطه کافر بر مسلمان است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۶۲).

امام خمینی نیز مفاد این قاعده را نفی سلطه بیگانگان و کافران بر امت اسلامی می‌داند (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۰ - ۷۲۷) و اشاره می‌کند که قاعده و مفاد آن گوشزدی برای مسلمانان است تا هشیار باشند و به هر طریق ممکن از زیر چیرگی و تسلط بیگانگان و کافران به درآیند. درحقیقت خداوند در این آیه، راهی برای سلطه کافران بر مسلمانان قرار نداده تا با چیره شدن کافران بر مسلمانان، دیگر دستاویزی به عنوان تقدیر و مشیت الهی برای تحمل ظلم و زور از سوی مسلمانان نباشد (همان، ص ۷۲۵).

۳. جایگاه قاعده

محققان قواعد فقهی را از زاویه‌های گوناگون به بخش‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند که برای واضح شدن جایگاه این قاعده، نگاهی اجمالی به آن می‌شود.

الف) قواعد فقهی از لحاظ گستردگی موارد به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

– قواعدی که در همه باب‌های فقه جریان دارند، مانند قاعده «لا حرج و لا ضرر»؛

- قواعدی که در معاملات به معنای عام استفاده می شود، مانند «القعود تابعة للقصود» و قاعده «لزوم و سلطنت»؛

- قواعدی که تنها در ابواب معاملات به معنای خاص جاری است؛ مانند قاعده «تلف مبیع در زمان خیار» و قاعده «ما یضمن»؛

- قواعدی که فقط در ابواب عبادات ساری و جاری است؛ مانند قاعده «شکیات»، قاعده «امکان» و «من ادرک».

ب) قواعد فقهی به لحاظ شبهات حکمی و موضوعی، گاه مانند قاعده تجاوز و حلیت ویژه شبهات موضوعی اند و گاهی همانند قاعده لا ضرر، عسرو حرج و میسور مشترک اند.

ج) قواعد فقهی از جهت داشتن و نداشتن مدرک به اقسام گوناگونی تقسیم می شوند. شهید صدر آنها را از این جهت به پنج قسم تقسیم کرده است (صدر، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۶).

د) قواعد فقهی از جهت مدرک و منبع، به دو قسم اساسی تقسیم می شوند:

- قواعدی که از آیات و روایات اخذ شده اند، مانند قاعده «لا ضرر»؛

- قواعدی که از موارد گوناگون فقه گرفته شده اند و به اشباه و نظایر مشهورند، همانند قاعده های «العقود تتبع القصود»، «اولویت» و «اهم و مهم».

قاعده نفی سبیل از جهت تقسیم اول، جزو قواعد گسترده و فراگیر در تمامی ابواب فقه است. این قاعده بنا بر تقسیم دوم نیز جزو قواعد مشترک میان شبهات موضوعی و حکمی به شمار می آید و در تقسیم سوم جزو قواعدی است که مدرک عقلی و نقلی دارد. این قاعده از جهت تقسیم چهارم نیز از قواعدی به شمار می آید که الفاظ و متن آن از ادله به ویژه قرآن کریم برگرفته شده است. با توجه به آنچه گذشت، اهمیت و جایگاه قاعده از جهات گوناگون روشن شد. در ادامه ادله و مستندات که می توان برای اثبات حجیت و اعتبار قاعده بدان تمسک کرد، بررسی می شود.

۴. مستندات قاعده

۴-۱. آیات

۴-۱-۱. آیه نفی سبیل

﴿الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ بِكُفْرٍ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ

يَبْنِكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)؛

[کسانی که همواره مواظب شما هستند؛ پس اگر از جانب خدا فتحی نصیبتان شود، می‌گویند مگر ما همراه شما نبودیم؟ و اگر پیروزی نصیب کافران شود، می‌گویند: آیا نه چنان بود که بر شما غلبه یافته بودیم و مؤمنان را از آسیب رساندن به شما بازداشتیم؟ در روز قیامت، خدا میان شما حکم می‌کند و او هرگز برای کافران به زیان مسلمانان راهی نگشوده است.

این آیه از دلایل اصلی قاعده است و الفاضلی که فقها برای تعبیر از این قاعده به کار می‌برند، از این آیه گرفته شده است. برای تبیین مفهوم و مفاد آیه لازم است ابتدا معنا و مراد برخی واژه‌ها بررسی شود:

- ضمیر «بینکم» در «قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»:

مفسران در تبیین و ارجاع ضمیر «بینکم» عقاید گوناگونی دارند. عده‌ای مراد از آن را حکم بین اهل ایمان و نفاق می‌دانند (ذیل آیه؛ نووی، ۱۴۱۷ق، ذیل آیه؛ سیدقطب، ۱۴۱۲ق، ذیل آیه)، پاره‌ای از مفسران به گستردگی گستره مرجع ضمیر در این قسمت تصریح می‌کنند (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۶۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹۶) و برخی بر این باورند که در اصل «بینکم و بینهم» بوده؛ ولی «بینهم» حذف شده است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ذیل آیه؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۱۸). در کنار این نظرات، گروهی معتقدند ضمیر «کم» در این قسمت از آیه، خطاب به مؤمنان است؛ هرچند منافقان و کافران را نیز در بر می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶).

میان مفسران اقوال گوناگونی درباره تفسیر فقره «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) وجود دارد. عده‌ای معتقدند مراد، نفی سلطه و برتری کافران بر مؤمنان در آخرت است، نه در دنیا. دلیل آن نیز این قسمت آیه است: «قَالَ اللَّهُ يَحْكُمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (نساء: ۱۴۱) است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۲۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۱، ص ۸۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۴۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۱۶). برخی نیز «سبیل» در آیه شریفه را به معنای حجت دانسته‌اند؛ با این توضیح که کافران هرچند از جهت عده و عده بر مسلمانان برتری یابند، در حجت و استدلال هرگز نمی‌توانند بر آنان پیروز و غالب شوند. عده‌ای دیگر معتقدند مراد از آیه ۱۴۱ سوره نساء، نفی تسلط کافران به گونه‌ای است که کیان و حیثیت مسلمانان از بین برود که دلیل آن،

روایتی است که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «دعوت ربی ان لا یسلط علیهم عدوا من سوی انفسهم»؛ از پروردگارم خواستم تا دشمنی غیر از مسلمانان بر امت من مسلط نشود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵، ص ۱۱۶).

پاره‌ای از مفسران معتقدند مراد آیه این است که کافران از آن جهت که کافرند، سلطه‌ای بر مؤمنان از آن جهت که مؤمن‌اند، ندارند؛ به همین خاطر هر جا کافران به مقتضای کفر خود عمل کنند و مؤمنان به مقتضای ایمان خود عمل نمایند، غلبه و پیروزی با مؤمنان است (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۳۲۵). البته برخی نیز جمله مورد بحث را دلیل قاعده معروف نفی سیل قرار داده و بر این باورند که ظهور این جمله در این است که خداوند در عالم تشریع احکام، هیچ حکمی که مفاد آن مستلزم نوعی تسلط و برتری کافر بر مسلمان باشد، جعل نکرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۱۶).

آیت الله فاضل لنکرانی در این زمینه معتقد است این آیه بر دیگر قواعد و اصول اولیه حاکم است؛ اصل‌هایی مانند: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ» (بقره: ۲۷۵) یا «أَوْفُوا بِالْعَهْدِ» و... در صورتی جاری‌اند که موجب سلطه کافر بر مسلمان نشوند (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶، ص ۲۴۰).

۲-۱-۴. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَرْيَدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا» (نساء: ۱۴۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان سرپرست نگیرید. آیا می‌خواهید برای خدا به زیان خودتان حجتی آشکار بسازید؟ دسته‌ای از آیات با لحن بسیار شدید مسلمانان را از اینکه اهل کتاب و کافران را به ولایت خود برگزینند، نهی کرده‌اند. خداوند در آیه ۱۴۴ سوره نساء می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کافران را به جای مؤمنان سرپرست نگیرید. آیا می‌خواهید برای خدا به زیان خودتان حجتی آشکار بسازید؟»

این آیه و همانند آن سرپرستی کافران یا دوستی آنان را که منشأ سلطه و حاکمیت اعتباری و واقعی است، به شدت نهی کرده است. خداوند در آیه بعدی جزای چنین کاری را «درک اسفل» از دوزخ دانسته است. پرواضح است تحریم برقراری ارتباط با کافران در قلمرو دوستی یا سرپرستی به دلالت التزامی به صراحت می‌رساند که پذیرش هرگونه سلطه بیگانگان و نیز زمینه‌سازی برای حاکمیت و سلطه آنان حرام و موجب کیفر آتش دوزخ است، بنابراین هرگونه رابطه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عزل و نصبی که موجب سلطه کافران شود، حرام است.

آیه زیر نیز در این زمینه درخور توجه است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدَّوَا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ﴾؛ (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای اهل ایمان، از غیر خودتان [کافران و مشرکان] همراه نگیرید که در تباهی شما کوتاهی نمی کنند. آنها رنج بردن شما را دوست دارند. همانا کینه و دشمنی از دهانشان [گفتارشان] پیداست و آنچه دل‌هایشان در بر دارد، بزرگ‌تر است.

از این آیه به دست می‌آید که به کافران نباید اعتماد شود و اسرار جامعه اسلامی، برای آنها بیان شود؛ زیرا واژه «بطانه» به معنای لباس زیر است و در اینجا کنایه از این است کافران نباید محرم اسرار قرار گیرند. از سوی دیگر این آیه دلالت می‌کند که دلبستگی و اعتماد به بیگانگان موجب نابودی خرد و عقل مسلمانان می‌شود؛ زیرا «خبال» به معنای نابودی فکر و خرد است.

۲-۴. روایات

۱. «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ وَالْكَفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَلَا يَرْتُون» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴).

این حدیث در کتاب، من لا یحضره الفقیه و الخلاف آمده و بدون سند و طریق معتبر، سلسله راویان و ناقلان حدیث به معصوم رسیده است و در اصطلاح «مرسل» است و از جهت سند قابل خدشه است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴۲ - ۲۴۳)؛ اما برخی ضمن تأیید مرسل بودن این حدیث، آن را از مراسیل معتبره می‌دانند؛ مانند امام خمینی که می‌فرماید: «فلا إشكال فی كونه معتمداً علیه؛ لكونه مشهوراً بین الفريقین علی ما شهد به الاعلام، والشیخ الصدوق رحمته الله نسبة إلى النبی صلی الله علیه و آله جزماً، فهو من المراسیل المعتمدة» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۷۲۶).

بر اساس این حدیث هر عملی که موجب تسلط کافران بر مسلمانان و اعتلای کفر بر اسلام شود، نا مشروع است (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴۶). آیت‌الله فاضل لنکرانی نیز معتقد است همان‌گونه که مقابل اسلام؛ کافران قرار دارند، نه کفر، در این حدیث نیز مراد از اسلام مسلمانان هستند، نه نفس اسلام؛ بنابراین منظور از

این حدیث شریف این است که در اسلام، حکمی جعل نشده است که به ضرر مسلمانان باشد و سود کافران که باعث برتری آنان بر مسلمانان شود؛ بلکه همه احکامی که مربوط به روابط بین مسلمانان و کافران می شود، به نفع مسلمانان جعل شده و علو آنها بر کافران ملاحظه شده است (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۴).

۳-۴. اجماع

دلیل دیگری که در استدلال به این قاعده استفاده می شود، اجماع است (همان، ص ۲۳۳). آیت الله فاضل لنکرانی معتقد است اجماع شده بر اینکه هیچ حکمی که سبب شود کافر بر مسلمان راهی پیدا کند و بر او مسلط شود، وضع نشده است. نقل اجماع در این خصوص در حد تواتر است (همان، ص ۲۳۹).

البته برخی از اندیشمندان در رد حجیت اجماع معتقدند؛ هرچند اجماع — چه محصل و چه منقول — حجیت ذاتی ندارد و زمانی حجت است که کاشف از قول معصوم باشد؛ اما امام خمینی در تحقیقات اصولی خود بر عدم حجیت ذاتی اجماع تأکید می کند (موسوی خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۴ - ۲۵۵) که از نگاه نگارنده نیز این قول به صواب نزدیک تر است.

۴-۴. عقل

عقل در فقه شیعه جایگاهی ویژه دارد که بر اساس روایات به حجت درون توصیف شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۰). عزت اسلام و شرافت مسلمانان اقتضا دارد بر اینکه خداوند متعال در احکام و شریعت خود هر حکمی که موجب ذلت مسلمان در برابر کافران می شود را جعل نکرده باشد و می توان ادعای قطع و یقین کرد که حکم مجعولی در شریعت اسلام مقتضی تحقیر، پستی و ذلت مسلمان در برابر کافران وجود ندارد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۵۹؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۷).

بنابراین دولت اسلامی در روابط خارجی خود نباید به گونه ای سیاست گذاری و رفتار کند که عزت مسلمانان زیر سؤال برود؛ زیرا اصل عزت اسلامی و سیادت دینی در سیره و گفتار پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز مبنای سیاست گذاری است؛ برای نمونه امام علی علیه السلام ضمن آنکه به حسن معاشرت و رفتار مسالمت آمیز با غیرمسلمانان

سفارش می‌کند، تأمین عزت دینی و سیادت اسلامی را نیز نادیده نمی‌گیرد: «باید در رفتارشان احتیاج و بی‌نیازی را در هم آمیزید و میان حُسن معاشرت و نرمی در گفتار، با عزت و نزهت دینی پیوند زنید» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۳۳۷).

۵. قاعده نفی سیل در نظام رسانه

همه‌گیر شدن اینترنت همراه و سرعت بسیار زیاد رشد فناوری در قرن حاضر، جوامع سنتی و فرهنگ‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. در این بین ناتوانی برخی کشورها در کنترل این فضا و کنترل محتوای مناسب، تأثیرات نامطلوب این فضا را چندین برابر کرده و نوجوانان و جوانان در برابر آن بی‌دفاع هستند. بر اساس آمارهای جهانی، بیش از سی درصد از کل محتوای اینترنت را فحشا و هرزه‌نگاری تشکیل می‌دهد که نیازمند پالایش و کنترل دقیق است و این در حالی است که در کشور فقط ده درصد پهنای باند به صورت مؤثر فیلتر می‌شود (tarrant, 2016, p.5).

نداشتن آموزش مناسب در خصوص نحوه استفاده درست از فضای مجازی و اینترنت و همچنین نبود ابزار فنی کافی جهت پالایش و رصد شبهات دینی، محتواهای هرزه‌نگاری و... توسط نهادهای متولی و واکنش نشان ندادن به آنها، آسیب‌های فراوانی را متوجه اعتقادات کاربران کرده است و همین موضوع موجب شده بیشترین آسیب وارده از طریق اینترنت و فضای مجازی بر جمعیت نوجوان و جوان کشور وارد شود.

کاربران در اینترنت با پرسش‌ها و مباحث فقهی نوظهوری روبه‌رو می‌شوند که نمی‌توان آنها را با روش‌های سنتی مدیریت کرد. مواردی همچون اختلاط زن و مرد، شهوت، نگاه، شبهات اعتقادی و... در فضای مجازی نیز مطرح است. با توجه به نصوص دینی، محرّمات صرفاً در فضای حقیقی جریان ندارد و برای نمونه گفتگو و شوخی دو فرد نامحرم فقط در فضای حقیقی و فیزیکی اشکال شرعی ندارد و هرگونه ارتباط و جلب توجه نامحرم - چه در فضای فیزیکی و چه در فضای مجازی - طبق نظر تمامی مراجع حرام است. البته احکام مرتبط با فضای مجازی همیشه به همین سادگی نبوده و نیازمند پژوهش، تحقیق و شفاف‌سازی بیشتری است.

بیشتر مشکلات جوانان و نوجوانان در فضای مجازی، متأثر از انواع منکرات و

رعایت نکردن احکام فقهی مانند واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح در فضای مجازی است که این موضوع اینترنت و فضای مجازی را به ابزاری رها شده و افسارگسیخته تبدیل کرده که سلامت روانی، روحی و اعتقادات مردم به ویژه قشر نوجوان و جوان را هدف گرفته است (ر.ک: حمیدانی، ۱۳۹۸، ص ۶۸-۸۳).

معاندان و دشمنان نظام اسلامی با توسل به فضای مجازی و اینترنت جهت حیازدایی و ازبین بردن قبح گناه و ایجاد منکرات و فحشا در جامعه اسلامی و همچنین برای تخریب افراد متدین، به ایراد شایعه و تهمت سازی می پردازند و طیف گسترده ای از کاربران فضای مجازی نیز به دلیل ضعف و پایین بودن سواد رسانه ای و دینی به باز نشر این شایعات دامن می زنند و در مدت زمان کوتاهی اهداف دشمنان - خواسته یا ناخواسته - به سرانجام می رسد.

سالم سازی و مهار کردن محتوای فضای مجازی وظیفه حاکمیت است که بهره بران و کاربران فضای مجازی باید از ضررهای آن آگاه شوند. بر اساس «قاعده نفی سبیل» که برگرفته از آیه ۱۴۱ سورة نساء است: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است. با این قاعده هر اقدامی که زمینه تأثیر، نفوذ و تسلط فکری، اقتصادی یا فرهنگی کافران را فراهم کند، ممنوع است. این آیه بیانگر نفی مطلق تسلط کافران است و لازمه آن نفی تمام سبیل (راه ها) - چه به لحاظ تکوینی و چه به لحاظ تشریعی - است. از این آیه استفاده می شود که نباید ظرفیتی برای نفوذ و تسلط کافران بر مؤمنان ایجاد شود. شبکه های اجتماعی و مجازی مجرای نفوذ، سلطه و اشراف اطلاعاتی و احاطه فکری دشمن است. بنابراین این ظرفیت موجب تقویت و نفوذ کافران می شود. بنابراین فضای شبکه های اجتماعی با این کیفیت، امکان سلطه کافران و دشمنان را فراهم می کند؛ برنامه و نرم افزارهایی همچون واتساپ یا اینستاگرام که تحت سلطه صهیونیست ها هستند و نباید از طریق آن مقدمات تسلط آنان و کشورهای دیگر غربی را فراهم کرد؛ مگر در موارد استثنا که بتوان از آن فضا برای نظام اسلامی استفاده نمود و مقدمات رفع سلطه آنان را فراهم کرد.

بنابراین حکم مهمی که از نفی سبیل از سوی شارع در این فرض صادر می شود، ۱۵۷

و جوب دفع ضرر محتمل است؛ زیرا شبکه‌های اجتماعی در واقع موجب اشاعه تسهیل در حرام، فحشا، هتک ستر، ایدای مؤمن، نشر اکاذیب، تجسس و طعن به اسلام می‌شود؛ بنابراین تا زمانی که مکلف از ضررها در امان نباشد، استفاده از فضای مجازی جایز نیست. قائلان به این نظریه معتقدند شبکه‌های اجتماعی همانند بسیاری از فناوری‌ها دارای استفاده مفید و مضر همچون چاقو هستند. اگر ورود در فضای مجازی و شبکه‌های فراگیر و غیرمجاز باشد؛ به گونه‌ای که اساس نظام را تهدید کند و به اخلال در نظام معشیت محدود نشود، مسامحه در این فضا جایز نیست؛ زیرا اگر در این امور مسامحه شود، اصل نظام از بین می‌رود. فضای مجازی با محتواها و ساختارهای گوناگون در عین فرصت‌ها و قابلیت‌های فراوان همچون دستیابی آسان به اطلاعات، گسترش و سهولت دسترسی به آن در هر نقطه از جهان و... آسیب‌ها و تهدیدهای جدی دارد و معاندان با بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم کوشیده‌اند با کمترین هزینه به اهداف خویش دست یابند (ر.ک: ایزدهی، ۱۳۹۷).

این قاعده معمولاً در اصول دین و مباحث کلامی به کار می‌رود و یک قاعده عقلایی است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی تاکنون مواردی چون اشاعه فحشا، ایدای مؤمن، تجسس، نشر اکاذیب و... را به دنبال داشته است که هریک از این موارد، عمومات و اطلاقاتی دارد که خود دلیل مستوفایی بر حرمت استفاده در مسائل فضای مجازی است. بنابراین ابزار و وسایلی که چنین مضرات فراوانی دارند، مادامی که مضرات آن رفع نشود و مکلف خود را از این مهلکات و مضرات در امان نداند، استفاده از آنها برای او حرام است. این حکم شامل استفاده از کلیه وسایل سایبری و ماهواره‌ای نیز می‌شود.

اگر پذیرفته شود که دشمنان اسلام بر اساس قراین و شواهد بسیار، اینترنت و فضای مجازی را در جهت قدرت نفوذ، هژمونی و تخلیه اطلاعات و همچنین دستیابی به اهداف پیدا و پنهان خود تأسیس کرده‌اند تا در مواقع ضروری و لازم از آن بهره ببرند، بهره‌گیری از آن فضا و ابزار موجب قرار گرفتن در صف پیاده‌نظام کافران می‌شود و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اعانه بر اثم است و عدم جواز استفاده از آن مطابق نصوص قطعی بلاشکال است.

افزون بر اینکه حضور و بقای شهروندان در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مستلزم اموری است که در فقه شیعه نهی شده است که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

(الف) رکون و اعتماد به ستمکاران.

﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾ (هود: ۱۱۳)؛ و بر ستمکاران تکیه نکنید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد.

(ب) محرم اسرار گرفتن کافران

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾ (آل عمران: ۱۱۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محرم اسراری از غیر خود، انتخاب نکنید. آنها از هرگونه شر و فساد دربارۀ شما، کوتاهی نمی‌کنند.

بنابراین برای حفظ نظام نه فقط باید از حضور و بقا در این نرم‌افزارها پرهیز کرد؛ بلکه باید زمینه رفع سلطۀ آن را نیز فراهم نمود.

۶. آسیب‌شناسی فضای مجازی و راه‌های برون‌رفت از آن

همان‌گونه که بیان شد، معاندان و دشمنان نظام اسلامی با توسل به فضای مجازی و ابزار آن در تسلط بر نظام رسانه‌ای جامعه اسلامی کوشیده‌اند و اگر اثبات شود اولاً و بالذات تولیدات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به منظور اشراف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جاسوسی دشمن برای ضربه زدن به ارزش‌های دینی باشد، همچنین شبکه‌های اجتماعی یک ابزار صرف نیست؛ بلکه فضای نرم‌افزاری قاعده‌مند است، نمی‌توان فضای مجازی و ابزار آن را از آلات مشترکه به شمار آورد که بخشی از آن حلال و بخشی حرام است؛ بنابراین تنها در صورت اضطرار می‌توان از شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد. اضطرار حکم واقعی ثانوی است که استفاده از فضای مجازی بر اساس آن جایز است و نیز استفاده از فضای مجازی در جهت‌گیری علیه معاندان نیز جایز است. اما اگر گفته شود استفاده از فضای مجازی فقط در محدوده اضطرار جایز است، نمی‌توان ظرفیت‌های فضای مجازی را تبلیغ کرد و آن را در اختیار عموم مردم قرار داد.

از نظر فقه، حاکمیت مکلف به مهار کردن، و سالم‌سازی و اشراف اطلاعاتی و

اجتماعی با در اختیار گذاشتن این فضا برای کاربران، گامی در مسیر بهبود و کنترل این بستر بردارد. بنابراین حتماً باید این فضا مدیریت شود و به سمت تولید محتوای سالم و مناسب در قالب‌های جذاب و متناسب با ذائقه و فرهنگ بومی پیش رود و تا وقتی که به لحاظ فرهنگی، اقدام عملی و برنامه‌ریزی مدونی برای آن وجود نداشته باشد، این فضا دربردارنده آسیب‌ها و تهدیدات است و بستری مناسب برای جاسوسی از حریم‌های شخصی و اطلاعات مهم کشوری است؛ چراکه تبادل اطلاعات با اینترنت بین‌المللی تحت مدیریت و رصدگاه‌های دشمن است؛ ازاین‌رو نظام باید در زمینه راحتی و آسایش مردم اقدام کند؛ بلکه در فضای اجتماعی نیز نظام اسلامی باید به فکر نرم‌افزار جایگزین و سرور مناسب و کارآمد باشد تا از این طریق اسباب تسلط کافران بر مسلمانان را از بین ببرد. (ر.ک: ایزدهی، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به نکاتی که بیان شد، اهمیت بحث و بررسی این قاعده روشن می‌شود که برگرفته از حکم عقل و روایت علو مسلمانان است. هرچند با نگاه به نکات بیان‌شده، استناد به اجماع مناقشه برانگیز است؛ ولی فقها با استناد به درک عقلی، قاعده نفی سبیل را واضح دانسته‌اند و تأکید می‌کنند در تطبیق فروعات فقهی، این قاعده باید مورد توجه فقها باشد.

فقه‌های عظام بر اساس محتوای این قاعده که منطق اسلام در روابط بین‌المللی مسلمانان است، برقراری هرگونه رابطه و انجام هرگونه اعمالی را که به سلطه اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و عقیدتی کافران بر مسلمانان بینجامد، مردود دانسته‌اند و آن را دارای مشروعیت نمی‌دانند. مفاد این قاعده بینش عزت‌خواهی و استقلال‌طلبی را برای مسلمانان به ارمغان می‌آورد. برتری تکوینی مسلمانان در برابر کافران حداقل از جهت منطق و آموزه‌های اسلامی، «حجت» و از جهت حقانیت واقعی، عمل به آن عزت‌آفرین است.

همان‌گونه که بیان شد، از مصادیق آیه نفی سبیل، فقط خرید و فروش عبد مسلمان با کافر یا ازدواج زن مسلمان با کافر نیست؛ بلکه مصداق بزرگ‌تر آن، این است که نظام اسلامی با کمک یک جاسوس‌افزار، زیر سلطه کافران حربی نرود. حرمت در

اختیار قرار دادن اطلاعات مسلمانان برای کافران، حرمت جاسوسی به نفع بیگانگان، حرمت عرضه محتوای ضاله، حرمت اعانه بر اثم، تنها بخشی از قواعد و ادله فقهی مطرح شده است که می‌تواند عدم جواز عرضه نرم افزارهای غربی مانند اینستاگرام، فیسبوک و تلگرام از سوی دولت را نتیجه بدهد. با توجه به نکات بیان شده به دست آمد که طراحی و تولید این سیستم‌ها اولاً و بالذات برای اغراض سیاسی نفوذ دشمن و جاسوسی و ضربه زدن به ارزش‌ها و استیلای فکری بر جوامع گوناگون طراحی شده است و شبکه‌های امنیتی عهده‌دار ترویج و تحلیل داده‌های آن است. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی درواقع ابزار مشترک نبوده‌اند؛ زیرا ابزار مشترک در فقه ناظر به سخت‌افزار است؛ درحالی‌که این شبکه‌ها متشکل از نرم‌افزار و سخت‌افزارند و صرفاً یک ظرف قلمداد نمی‌شوند. از نگاه فقه کلان، حاکمیت موظف است محتوای فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را مهار و سالم‌سازی کند. با این اوصاف تنها در صورت اضطرار که حکم ثانوی است، می‌توان از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی استفاده کرد یا در مواردی همانند استفاده علیه خود دشمن می‌تواند جایز باشد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
۱. آبراهام پی بونک (۱۳۷۶). روان‌شناسی اجتماعی کاربردى. (ترجمه فرهاد ماهر)، [بى جا]: [بى نا].
۲. آلوسى، محمد بن عبدالله (۱۴۱۵). روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم والسبع المثانى. بيروت: دار الكتب العلميه.
۳. ابن اثير، مبارک بن محمد (بى تا). النهاية فى غريب الحديث والأثر. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (بى تا). تفسير غريب القرآن. [بى جا]: [بى تا].
۵. ابن منظور؛ ابوالفضل جمال الدين محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، دار صادر.
۶. ایزدهی، سید سجاد (۱۳۹۷). نشست علمی «فقه اینترنت و فضای مجازی»، دسترسی در: <http://ijtihadnet.ir>.
۷. ثعالبی، عبدالرحمن (۱۴۱۸ق). جواهر الحسان فى تفسير القرآن. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۸. حمیدانی، طاهره (۱۳۹۸). بررسی تأثیر آسیب‌های فضای مجازی بر سلامت روانی دانش‌آموزان. [بى جا]: [بى نا].
۹. دروزه، محمد عزت (۱۳۸۳ق). التفسير الحديث. قاهره: دار احیاء الكتب العربيه.
۱۰. زحیلی، وهبه (۱۴۱۱). التفسير المنیر فى العقیة والشریعة والمنهج. دمشق: دار الفكر.
۱۱. سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد (۱۳۸۰ق). تفسير سورآبادی. تهران: فرهنگ نشر نو.
۱۲. سید قطب (۱۴۱۲ق). فى ظلال القرآن. بيروت: دار الشروق.
۱۳. سیفی مازندرانی، علی اکبر (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعّال فى القواعد الفقهية الأساسية. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷). بحوث فى علم الاصول. قم: مؤسسه دائرة المعارف الإسلامی بر مذهب اهل البيت (علیهم السلام).
۱۵. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۱۷ق). العروة الوثقی. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فى تفسير القرآن. بيروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فى تفسير القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۸. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (بى تا). التبیان فى تفسير القرآن. بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). قواعد فقه - بخش حقوق عمومی. تهران: سمت.
۲۱. فاضل جواد، جواد بن سعید (۱۳۶۵ق). مسالك الأفهام الى آیات الأحكام. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

۲۲. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). *القواعد الفقهیه*. قم: چاپخانه مهر.
۲۳. فخر رازی، محمد (۱۴۲۰ق). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ق). *الأصفی فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۶. قرطبی، محمد (۱۳۶۴ق). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۷. کلیفورد جی کریستیانز، (۱۳۸۵). *فناوری و نظریه سه وجهی رسانه در بازاندیشی درباره رسانه*. [بی جا]: دین و فرهنگ.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹). *موسوعة الامام علی علیه السلام*. قم: دار الحديث.
۲۹. مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقهیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق). *القواعد الفقهیه*. قم: نشر الهادی.
۳۱. موسوی خمینی علیه السلام، سید روح الله (۱۴۲۱ق). *کتاب البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۳۲. _____ (۱۴۱۵ق). *انوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
34. Tarrant Shira, (2016). *The Pornography Industry: What Everyone Needs to Know*. Oxford University Press.